خبر

از سوی دبیرکل اتاق بازرگانی ایران و عراق مطرح شد

ادامه روند تجارت کالایی از طریق ترانزیت و همسایگان غربی و شمال

دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق عنوان کرد: با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران و دسترسی به ۱۵ کشور همسایه، ظرفیت‌های ترانزیتی در مرزهای غربی و شمالی کشور همچنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مزیت‌های راهبردی در توسعه تجارت منطقه‌ای مطرح است؛ ظرفیتی که می‌تواند حتی در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی نیز مسیر تامین و جابه‌جایی کالا را در سطح گسترده حفظ و تقویت کند.

جهانبخش سنجابی شیرازی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره ظرفیت های تجاری ایران در مرزهای غربی و شمالی اظهار کرد: واقعیت موضوع این است که حتی با فرض محال محاصره کامل ایران در جنوب، عملا محاصره ایران به طور کلی امکان پذیر نیست. علت این است که ایران با ۱۵ کشور همسایه است و تعداد زیادی از این کشورها به آب‌های آزاد دسترسی دارند.

او ادامه داد: از این جهت هم با مکانیزم ترانزیت از طریق بنادر این کشورها و هم به صورت جاده‌ای و بعضا ریلی و مرزهای مشترک زمینه برای تامین کالا به صورت کلی فراهم است. معتقدم در رابطه با کشورهای همسایه غربی به ویژه عراق از ۹ اسفند به بعد یک فرصت تاریخی برای آن‌ها پیش آمده است. به شکلی که می‌توانند توسعه بنادرشان را به شکلی دنبال کنند که بخشی از ظرفیت‌هایشان فعال شود. البته متقابلا این فرصت برای تجارت و شرکت‌های ایرانی که قبلا پایگاه مرکزی شان در امارات متحده عربی بوده حالا به سمت عراق سوق پیدا کند.

سنجابی شیرازی تصریح کرد: ضمن اینکه شرایط جدید می‌تواند موجبات کاهش هزینه را فراهم کند. چرا که تخلیه بار تا خاک ایران از منظر فاصله ترانزیتی کمتر از ۵ کیلومتر است و فاصله برای تخلیه قایق های باربری کوچک بسیار ناچیز است. همین الان هم می‌توان بخش زیادی از کالاهایی که از طریق ترانزیت به عراق وارد می‌شوند می‌توان مسیر رفت و برگشت کالا را دو جانبه کرد، چرا که حمل و نقل دریایی عراقی‌ها در قالب محاصره آمریکایی‌ها نیست. از طرفی هم ایران در راستای حسن همجواری همسایگی اجازه عبور کشتی های عراقی را می دهد. بنابراین در جنوب مطلقا امکان محاصره کامل ایران وجود ندارد و در شمال هم آمریکایی ها دسترسی ندارند و نمی‌توانند مانع از پهلوگیری کشتی های باربری در بنادر شمالی شوند، به خصوص که روسیه در شمال تولیدکننده بخش نسبتا زیادی از مواد وارداتی ما در اقلام غذایی است و بندر چابهار هم خصوصیت‌های خاص خودش را دارد.

دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق عنوان کرد: به رغم اینکه در عالم رسانه فضاسازی زیادی پیرامون محاصره دریایی می‌شود اما در عالم واقع این محاصره معنای عملیاتی خیلی پررنگی پیدا نمی‌کند. البته به این مفهوم نیست که تاثیر منفی نمی‌گذارد، حتما روی سرعت عرضه و روی رشد تقاضا و قیمت آثار تورمی به جای می گذارد. اما اینکه تصور شود این محاصره باعث می شود ایران وادار به عقب نشینی شود به نظرم خوابی است که آمریکایی‌ها دیده‌اند.

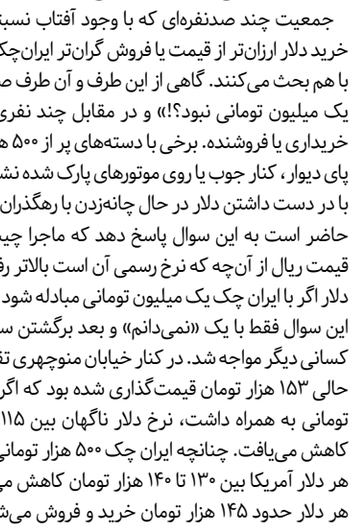

چرا جریمه دیرکردها بخشیده نمی‌شود؟

دهن‌کجی بانک‌ها به دستور حمایتی بانک مرکزی

در میانه فشارهای جنگی و تنگنای معیشتی، قرار بود بانک‌ها به کمک مردم بیایند؛ اما آنچه در عمل رخ داده، فاصله‌ای عمیق بین حرف و عمل نظام بانکی را به نمایش گذاشت، شاهد آنکه جریمه‌های بانکی هنوز پابرجاست و بخشنامه بانک مرکزی روی میز شعب خاک می‌خورد.

رفتارهای شبکه بانکی حاکی از بی‌اعتنایی آشکار به فرامین حمایتی و بیانگر یک حقیقت تلخ است

در تلاطم روزهایی که سایه سنگین بحران و جنگ بر سر سفره‌های مردم نشسته است، وضعیت اقتصادی بیش از آنکه با نمودارها و شاخص‌ها سنجیده شود، با توان تحمل شهروندان سنجیده می‌شود.

به گزارش اقتصاد۲۴، نهادهای مالی و پولی در هر سرزمینی نیز در لحظات سرنوشت‌ساز ملی آزموده می‌شوند. این نهادها یا به عنوان سنگ صبور و تکیه‌گاه معیشت مردم، یا به مثابه ساختارهایی صلب و بی‌تفاوت که در اوج سختی، تنها به صیانت از ترازنامه‌های خویش می‌اندیشند؛ در یادها می‌مانند.

امروز که فشار مضاعف شرایط جنگی، نبض کسب‌وکارهای خرد را به شماره انداخته و خانواده‌ها را در تنگنای انتخابی دشوار میان نان شب و پرداخت اقساط بانکی قرار داده است، انتظار می‌رفت نظام بانکی ایران، فارغ از شعارهای همیشگی، یار مردم باشد نه بار خاطر.

رفتارهای اخیر شبکه بانکی، اما حاکی از بی‌اعتنایی آشکار به فرامین حمایتی و بیانگر یک حقیقت تلخ است؛ گویی در قاموس برخی بانکداران، «بحران» نه مجالی برای همدلی، که فرصتی برای فشردن بیشتر گلوی وام‌گیرندگانی است که در این آشفته بازار ایران، تنها و بی‌سنگر رها شده‌اند.

در این روزها که نبض اقتصاد زیر ضرب‌آهنگ فشارهای ناشی از جنگ به شماره افتاده است، انتظار می‌رفت نظام بانکی به عنوان قلب تپنده اقتصاد کشور، پناهگاهی برای آلام مالی مردم باشد. اما آنچه در ماه‌های اخیر و در پی صدور بخشنامه‌های نمایشی بانک مرکزی رخ داد، حکایتی تلخ از شکاف عمیق میان وعده‌های حاکمیتی و واقعیت‌های شعب بانکی است. چناچه مردم زیر بار تورم و التهاب بازار کمر خم کرده‌اند، اما بانک‌ها در برج‌های عاج خود، تنها به ترازنامه‌هایی می‌اندیشند که با جریمه‌های ناعادلانه رنگین شده است.

بی‌اعتنایی بانک‌ها به بخشنامه بانک مرکزی

بانک مرکزی با هیاهوی بسیار اعلام کرد که از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ تا پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵، جریمه دیرکرد اقساط وام‌های تا سقف ۷۰۰ میلیون تومان بخشیده خواهد شد. این تصمیم که به عنوان یک بسته حمایتی در شرایط اضطراری جنگی مطرح شد، قرار بود مرهمی موقت بر زخم‌های معیشتی خانوارها و کسب‌وکارهای خرد باشد. اما گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که این بخشنامه، فرسنگ‌ها با مرحله اجرا فاصله دارد. بانک‌ها، حتی آنها که پسوند «دولتی» را یدک می‌کشند و وظیفه‌ای ذاتی در اجرای سیاست‌های حمایتی دولت دارند، در عمل کمترین اعتنایی به این مصوبه نداشته‌اند. این تضاد آشکار میان حرف و عمل نظام بانکی، چیزی جز استهزای اعتماد عمومی نیست.

نظام بانکی ایران؛ سردتر از لیبرال‌ترین اقتصادهای جهان

مقایسه عملکرد بانک‌های ایران در دوران بحران، با نظام‌های مالی در دیگر نقاط جهان حاکی از واقعیتی تاسف‌آور است چراکه حتی در لیبرال‌ترین اقتصادهای دنیا که سودمحوری اصل نخست آنهاست، در زمان وقوع بلایای طبیعی، پاندمی‌ها یا جنگ، سازوکارهای حمایتی از حالت اختیاری به تکلیفی گریزناپذیر تبدیل می‌شوند. در بسیاری از کشورها، تعویق بدون جریمه اقساط و حتی بخشودگی بخشی از سود تسهیلات در دوران جنگ، به عنوان یک ضرورت برای حفظ ثبات اجتماعی و بقای سرمایه انسانی تلقی می‌شود.

با این حال، در کشور ما که نظام بانکی مدعی پایبندی به اصول اخلاقی و اسلامی است، در سخت‌ترین دوران زندگی مردم به آنها رحم نمی‌کند! آنها نه تنها جریمه‌ها را نبخشیدند، بلکه با تهدید به کسر از حساب ضامن و ارسال گزارش منفی به شرکت‌های اعتبارسنجی، فشار روانی مضاعفی را بر دوش مردمی گذاشتند که خود درگیر فشارهای ناشی از شرایط جنگی هستند.

تیغ تیز تهدید بر گلوی ضامنان

گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی بانک‌ها به جای همراهی با مصوبه بانک مرکزی، اولتیماتوم‌های شدیدی را به مشتریان ابلاغ کرده‌اند. تقاضا برای تسویه کامل اقساط تا پایان فروردین‌ماه، آن هم با احتساب تمام جریمه‌های دیرکرد، دهن‌کجی آشکاری به بسته حمایتی دولت است. تهدید به کسر وجه از حساب ضامنان، که اغلب از میان دوستان و بستگان نزدیک وام‌گیرندگان و خود از قشر آسیب‌دیده جامعه هستند، اوج بی‌اخلاقی حرفه‌ای را به تصویر می‌کشد. این رفتار البته ریشه در یک مشکل ساختاری کهنه دارد؛ نبود نظارت مؤثر. زمانی که بانک مرکزی بخشنامه‌ای صادر می‌کند، اما هیچ ابزار تنبیهی برای بانک‌های سرکش در نظر نمی‌گیرد، عملاً چراغ سبزی برای نادیده گرفتن حقوق مردم صادر کرده است. این بی‌انضباطی پیش‌تر در ماجرای وام‌های تکلیفی با یک ضامن نیز دیده شده بود؛ جایی که بانک‌ها با وضع قوانین خودساخته، عملاً اجرای قانون را غیرممکن کردند.

اعتبارسنجی؛ ابزاری برای تنبیه به جای تشویق

در حالی که سیستم اعتبارسنجی باید ابزاری برای تسهیل امور بانکی و شناسایی مشتریان خوش‌حساب باشد، در دوران اخیر به ابزاری برای تهدید و ارعاب تبدیل شده است. بانک‌ها با تهدید به ثبت گزارش منفی در پرونده اعتباری افرادی که به دلیل شرایط قهری جنگ و اختلال در کسب‌وکار موفق به پرداخت به موقع اقساط نشده‌اند، آینده مالی شهروندان را به گروگان گرفته‌اند. این برخورد حذفی با مشتریانی که سال‌ها با سودهای کلان، هزینه‌های جاری بانک‌ها را تامین کرده‌اند، نشان‌دهنده نگاهی ابزاری و غیرانسانی به مقوله بانکداری است. در شرایطی که مردم انتظار داشتند بانک‌ها در کنارشان بایستند، آنها را در مقابل خود یافتند؛ گویی بانک‌ها نه بخشی از پیکره این مرز و بوم، که نهادهایی بیگانه هستند که تنها در زمان سود با مردم شریک‌اند و در زمان سختی، اولین کسانی هستند که پشت آنها را خالی می‌کنند.

ضرورت جراحی در نظارت و بازگشت به اخلاق پولی

آنچه امروز در شبکه بانکی کشور می‌گذرد، فراتر از یک تخلف اداری است؛ این یک بحران اخلاقی و اجتماعی است که ریشه‌های اعتماد عمومی به نظام اجرایی را می‌خشکاند. بخشنامه‌هایی که تنها برای مصرف رسانه‌ای صادر می‌شوند و در ویترین شعبه‌ها خاک می‌خورند، نه تنها باری از دوش مردم برنمی‌دارند، بلکه با ایجاد امید کاذب، سرخوردگی ملی را تشدید می‌کنند. وقت آن رسیده است که نهادهای نظارتی، از مجلس شورای اسلامی گرفته تا بازرسی بانک مرکزی، از حالت انفعال خارج شوند. باید پرسید چرا بانک‌های دولتی که با سرمایه همین مردم اداره می‌شوند، پیشگام در نقض مصوبات حمایتی هستند؟ جریمه‌هایی که قرار بود بخشیده شود، اکنون به نمادی از بی‌عدالتی تبدیل شده است. اگر قرار است بخشنامه‌ها اجرا نشوند، اعلام آنها چیزی جز پاشیدن نمک بر زخم مردم نیست. نظام بانکی باید بداند که بقای آن در گرو بقای مشتریانش است؛ و اگر امروز در روزهای سخت جنگ، دست مردم را نگیرد، فردا در روزهای صلح، جایی در دل‌های این مردم نخواهد داشت.

قیمت نفت ایران بار دیگر از ۱۰۲ دلار گذشت

ثبت بیشترین رشد هفتگی بازار انرژی از ابتدای مارس

قیمت نفت آمریکا در معاملات روز جمعه همزمان با تقویت امیدها به ازسرگیری مذاکرات صلح میان آمریکا و ایران کاهش یافت، اما تداوم اختلال در تنگه هرمز باعث شد شاخص‌های نفتی در مسیر ثبت بهترین رشد هفتگی خود از اوایل ماه مارس قرار بگیرند. در همین راستا، قیمت نفت ایران نیز یک بار دیگر، از ۱۰۲ دلار عبور کرد.

به گزارش تجارت نیوز، بازار جهانی نفت در پایان هفته با دو نیروی متضاد مواجه بود؛ از یک سو، خوش‌بینی به تحرکات دیپلماتیک و احتمال گفت‌وگوهای جدید میان تهران و واشنگتن فشار کاهشی بر قیمت‌ها وارد کرد و از سوی دیگر، بسته ماندن تنگه هرمز و تشدید تنش‌های دریایی، ریسک عرضه را بالا نگه داشت. برآیند این دو عامل موجب شد قیمت‌ها در معاملات روزانه عقب‌نشینی کنند، اما عملکرد هفتگی نفت همچنان صعودی باقی بماند.

قیمت نفت برنت در آخرین معاملات هفتگی با ۰.۲۵ درصد رشد به ۱۰۵.۳۳ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت وست‌تگزاس اینترمدیت اما افت کرد و با کاهش ۱.۵۱ درصدی روی رقم ۹۴.۴۰ دلار بسته شد.

قیمت نفت موربان ابوظبی نیز ۲.۲۳ درصد افت کرد و به ۱۰۳.۵۹ دلار در هر بشکه رسید. نفت عمان اما صعودی بود و با ۴.۹۱ درصد رشد ۱۰۷.۰۸ دلار قیمت خورد. قیمت نفت اوپک با رشد ۳.۱۲ درصدی ۱۰۶.۲۸ دلار در هر بشکه معامله شد. قیمت نفت سبک ایران در بازه ۱۰۱.۵۹ تا ۱۰۲.۸۴ دلار متغیر بود و نفت سنگین ایران نیز در بازه ۹۹.۶۹ تا ۱۰۰.۶۹ دلار قیمت خورد. این واگرایی قیمتی در بازار انرژی در حالی رخ داد که معامله‌گران به اخبار سیاسی واکنش نشان می‌دادند، اما همزمان اثر اختلالات عرضه در خاورمیانه را نیز در محاسبات خود لحاظ می‌کردند. امیدها به دستیابی به توافق صلح میان ایالات متحده و ایران روز جمعه افزایش یافت؛ اعلام آتش‌بس طولانی‌مدت میان اسرائیل و لبنان در روز پنجشنبه به بهبود فضای روانی بازار کمک کرد. در همین چارچوب، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران از آغاز «سفری به‌موقع» به اسلام‌آباد، مسقط و مسکو خبر داد و هدف آن را هماهنگی با شرکای منطقه‌ای و مشورت درباره تحولات جاری عنوان کرد.

در سوی مقابل، کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید گزارش‌ها درباره سفر استیو ویتکوف، فرستاده ویژه آمریکا در خاورمیانه، و جرد کوشنر به پاکستان برای گفت‌وگوهای بیشتر را تأیید کرد. او در اظهاراتی رسانه‌ای تأکید کرد که رئیس‌جمهوری آمریکا همواره تمایل دارد به دیپلماسی فرصت بدهد و این مسیر را نخستین گزینه می‌داند. بازار نفت پس از این اظهارات، واکنش منفی نشان داد و قیمت‌ها به پایین‌ترین سطوح خود در طول جلسه معاملاتی رسیدند. اندکی بعد، دونالد ترامپ در گفت‌وگو با رویترز اعلام کرد که ایران در حال برنامه‌ریزی برای ارائه پیشنهادی است که می‌تواند خواسته‌های ایالات متحده را برآورده کند، هرچند جزئیاتی از این پیشنهاد ارائه نشد. این اظهارات نیز به نوسانات کوتاه‌مدت قیمت‌ها دامن زد.

با وجود افت روزانه، هر دو شاخص برنت و WTI بهترین عملکرد هفتگی خود از ابتدای ماه مارس را ثبت کردند. معاملات آتی برنت در مسیر پایان دادن به روند نزولی سه‌هفته‌ای و WTI در آستانه توقف کاهش دوهفته‌ای حرکت کرد. برنت در این هفته حدود ۱۶.۴ درصد و WTI حدود ۱۲.۶ درصد افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند؛ رشدی که عمدتاً ناشی از نگرانی‌های عرضه بوده است.

پشتوانه اصلی این جهش هفتگی، بسته ماندن مداوم تنگه هرمز است؛ گذرگاهی حیاتی در سواحل جنوبی ایران که حدود یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند. برآوردهای گلدمن ساکس نشان می‌دهد تولید نفت خام خلیج فارس به حدود ۱۴.۵ میلیون بشکه در روز رسیده که معادل افتی ۵۷ درصدی نسبت به سطح پیش از جنگ است. این برآورد حاکی از آن است که حتی در صورت بازگشایی تنگه، بازگشت کامل عرضه می‌تواند بسیار طولانی‌تر از انتظارات فعلی بازار باشد.

در این میان، گزارش‌ها حاکی است تولیدکنندگان بزرگ خاورمیانه از جمله عربستان سعودی و قطر در حال بررسی مسیرهای جایگزین کشتیرانی برای دور زدن تنگه هستند. همزمان، محاصره دریایی بنادر و سواحل ایران توسط ایالات متحده نیز بر پیچیدگی شرایط افزوده و ریسک‌های لجستیکی را تشدید کرده است. در طول هفته گذشته، افزایش فعالیت‌های نظامی و دریایی در داخل و اطراف تنگه هرمز تنش‌ها را در سطح بالایی نگه داشته است. ایران از توقیف کشتی‌هایی که قصد عبور از تنگه را داشته‌اند خبر داده و ایالات متحده نیز اعلام کرده است کشتی‌های ایرانی را که تلاش می‌کردند محاصره آمریکا را دور بزنند، توقیف کرده است.

به گفته دیوید موریسون، تحلیلگر ارشد بازار در Trade Nation، قیمت نفت WTI برای تحویل ماه آینده تنها در فاصله یک هفته از حدود ۷۹ دلار به نزدیکی ۹۸ دلار رسید که بیانگر رشد هفتگی ۲۴ درصدی است؛ روندی که در نفت برنت نیز با رسیدن به سطح ۱۰۲.۵۰ دلار و ثبت بالاترین قیمت در بیش از دو هفته گذشته تکرار شد. این دستاوردها در شرایطی رقم خورده که رئیس‌جمهوری آمریکا از تمدید نامحدود آتش‌بس شکننده میان ایالات متحده و ایران خبر داده است؛ آتش‌بسی که به گفته ناظران، به معنای کاهش فوری ریسک‌های ژئوپلیتیکی نیست. در مجموع، با توجه به مسدود شدن کشتیرانی در تنگه هرمز از سوی طرف‌های درگیر و تداوم نااطمینانی سیاسی، بازار نفت همچنان در معرض نوسانات شدید قرار دارد و احتمال تداوم این وضعیت برای ماه‌های آینده را نمی‌توان نادیده گرفت.

اخبار

قیمت محصولات ماکارونی تغییر کرد

ماکارونی رشته‌ای به ۷۵ هزار تومان رسید

طبق اطلاعیه منتشر شده در سامانه کدال وبراساس تصمیمات جلسه انجمن تولید کنندگان و صادر کنندگان ماکارونی قیمت انواع محصولات ماکارانی ۳۱ درصد افزایش یافت.

باشگاه خبرنگاران جوان ؛ طبق اطلاعیه منتشر شده در سامانه کدال و طبق تصمیمات جلسه انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان ماکارونی و با توجه به رشد هزینه‌های دستمزد، هزینه‌های حقوق و دستمزد، مواد کمکی، بسته‌بندی و سایر هزینه‌های مرتبط با تولید، قیمت محصولات این شرکت از پنجم دی‌ماه ۱۴۰۲ اصلاح شده است.

شرکت صنعتی ماکارونی در اطلاعیه‌ای رسمی خطاب به مخاطبان و بر اساس الزامات ماده ۱۳ دستورالعمل اجرای افشای اطلاعات، از افزایش قیمت محصولات خود خبر داد. در این اطلاعیه آمده است که طبق تصمیمات جلسه انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان ماکارونی و با توجه به رشد هزینه‌های دستمزد، مواد کمکی، بسته‌بندی و سایر هزینه‌های مرتبط با تولید، قیمت محصولات این شرکت از پنجم دی‌ماه ۱۴۰۲ اصلاح شده است.

بر اساس جزئیات اعلام‌شده، قیمت برخی محصولات به شرح زیر تغییر یافته است:

رشته‌ای ۷۰۰ گرمی از ۵۷۰،۰۰۰ ریال به ۷۵۰.۰۰۰ ریال

فرمی ۵۰۰ گرمی از ۵۴۶.۰۰۰ ریال به ۷۸،۱۸۰ ریال

کارگران منتظر ابلاغ مصوبه حق مسکن ۳ میلیون تومانی

یک فعال کارگری از مسکن و اجاره بها به عنوان یکی از دغدغه‌های جامعه کارگری نام برد و از دولت و وزارت کار خواست تا در هفته کارگر نوید تصویب و ابلاغ هرچه سریع‌تر مصوبه افزایش حق مسکن را به کارگران بدهند.

محمدرضا فرزعلیان در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در جلسه تعیین دستمزد ۱۴۰۵ که اواخر سال گذشته در شورای عالی کار برگزار شد، مبلغ کمک هزینه مسکن کارگران ۳ میلیون تومان به تصویب رسید. این رقم تا پیش از این ۹۰۰ هزار تومان بود و مقرر شد تا پس از تصویب هیأت وزیران از فروردین ماه امسال اجرایی شود. وی افزود: اگرچه شورای عالی کار مبلغ حق مسکن را به تصویب رسانده ولی مکانیسم اجرایی به این شکل است که باید در هیات وزیران تصویب و به وزارت کار ابلاغ شود. این فعال کارگری با بیان اینکه تا زمان ابلاغ مصوبه، مبلغ حق مسکنی که توسط کارفرمایان به کارگران پرداخت می‌شود همان ۹۰۰ هزار تومان است،گفت: در هفته کارگر از دولتمردان و وزارت کار می خواهیم تا نوید تصویب و ابلاغ مصوبه افزایش حق مسکن را به جامعه کارگری بدهند.

فرزعلیان درعین حال از محاسبه بیمه حق مسکن کارگران توسط تامین اجتماعی خبر داد و تاکید کرد: نرم افزار تامین اجتماعی به پیشواز افزایش حق مسکن بدون تصویب هیات وزیران رفته و در حالی که مصوبه هنوز از طرف دولت ابلاغ نشده حق بیمه آن را از اول امسال محاسبه کرده است.

وی ادامه داد: نرم افزار لیست تامین اجتماعی برای لیست فروردین محاسبات پرداخت حق بیمه را بر مبنای حق مسکن ۳ میلیون تومان انجام می دهد و این امر حاکی از آن است که علیرغم فرصت یک ماهه و درج مبلغ علی الحساب ۹۰۰ هزار تومانی در بخشنامه دستمزد مبنای کسر حق بیمه سال ۱۴۰۵ کارفرمایان را دچار سرگردانی کرده است.

این فعال حوزه کار تصریح کرد: افزایش ۳ میلیون تومانی حق مسکن بهمن ماه سال گذشته در شورای عالی کار کلید خورد و قرار بود در صورت موافقت و تصویب دولت در حقوق کارگران لحاظ شود اما این اتفاق نیفتاد تا اینکه در نشست دستمزد شورای عالی کار با موافقت شرکای اجتماعی تصویب شد.

سناریوهای سیاه و سفید یک اتفاق نادر

دلار ۱۴۰ هزار تومانی چگونه ممکن شد؟

این روزها در بازار ارز، فروشندگان و دلالان حاضرند دلار خود را ۲۰ درصد ارزان‌تر از قیمت رسمی بفروشند به شرطی که متقاضیان، دلار را با ایران چک‌های یک میلیون تومانی یا ۵۰۰ هزار تومانی معامله کنند.

به گزارش خبرآنلاین، ساعت حوالی دو ظهر پنج‌شنبه است اما جمعیتی چند صد نفره، ابتدای خیابان منوچهری، مقابل پاساژ افشار جمع شده‌اند. به نظر نمی‌رسد بازار شباهتی به بازار روزهای تعطیل و آخرین دقایق کاری هفته داشته باشد، چرا که با وجود تعطیلی مغازه‌ها، جمعیتی چشمگیر در کنار خیابان و پیاده‌رو در حال مبادله ارز هستند. این‌بار اما به نظر می‌رسید بیش از این‌که هدف از مبادله پول، دستیابی به دلار باشد، هدف دستیابی به ریال است البته اگر در قالب چک‌پول‌های یک میلیون تومانی یا ۵۰۰ هزار تومانی نو باشد.

جمعیت چند صدنفره‌ای که با وجود آفتاب نسبتا تیز سوم اردیبهشت، به امید خرید دلار ارزان‌تر از قیمت یا فروش گران‌تر ایران‌چک‌های خود به مرکز شهر آمدند، با هم بحث می‌کنند. گاهی از این طرف و آن طرف صدایی بلند می‌شود :« ایران‌چک یک میلیون تومانی نبود؟!» و در مقابل چند نفری از گوینده سوال می‌کردند که خریداری یا فروشنده. برخی با دسته‌های پر از ۵۰۰ هزار تومانی و یک میلیون تومانی پای دیوار، کنار جوب یا روی موتورهای پارک شده نشسته‌اند و در مقابل افراد دیگری با در دست داشتن دلار در حال چانه‌زدن با رهگذران هستند. با این حال کمتر کسی حاضر است به این سوال پاسخ دهد که ماجرا چیست؟ چه شده که در این بازار قیمت ریال از آن‌چه که نرخ رسمی آن است بالاتر رفته یا درواقع چه شده که قیمت دلار اگر با ایران چک یک میلیون تومانی مبادله شود ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش می‌یابد؟ این سوال فقط با یک «نمی‌دانم» و بعد برگشتن سر مخاطب و ادامه بحثهایش با کسانی دیگر مواجه شد. در کنار خیابان منوچهری تقاطع فردوسی هر دلار آمریکا در حالی ۱۵۳ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود که اگر خریدار ایران چک یک میلیون تومانی به همراه داشت، نرخ دلار ناگهان بین ۱۱۵ هزار تومان تا ۱۲۵ هزار تومان کاهش می‌یافت. چنانچه ایران چک ۵۰۰ هزار تومانی به همراه متقاضی بود، قیمت هر دلار آمریکا بین ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تومان کاهش می‌یافت و با ۲۰۰ هزار تومانی هم هر دلار حدود ۱۴۵ هزار تومان خرید و فروش می‌شد. با این‌که هیچ‌کدام از دلالان ارز در خیابان اطلاعی از ماجرا نداشتند و یا این‌طور وانمود کردند که از مساله بی خبرند، شنیده‌ها حاکی از آن است که قیمت دلار با ایران چک یک میلیون تومانی در مرزهای شرقی به ۱۰۰ هزار تومان نیز می‌رسد. این را قرینه‌ای مهم برای آن می‌دانند که متقاضی اصلی ریال ایران، همسایگان شرقی هستند.

دستگاههای امنیتی به هوش باشند

مجید رضا حریری، عضو اتاق بازرگانی، با بیان این‌که چنین اتفاقی به احتمال زیاد بیش از این‌که ریشه‌های اقتصادی داشته باشد، ریشه امنیتی دارد، به خبرآنلاین گفت: در تمام جهان مبادلات اقتصادی که به صورت نقدی انجام می‌شود، با سهم بالایی از کارهای خلاف از جمله فرار مالیاتی یا قاچاق رابطه تنگاتنگ دارد. مبادلات تا زمانی که اعتباری و از طریق بانک‌ها انجام می‌شود، امکان ردیابی دارد اما وقتی از طریق نقدی انجام می‌شود امکان پیگیری آن کمتر است. او افزود: اکنون به نظر می‌رسد تقاضای ریال آن‌قدر بالا رفته که برخی حاضرند برای اسکناس (مشخصا در قالب چک پول) چیزی بیش از ارزش واقعی آن را بپردازند. حتی شنیده‌ام برخی برای ایران چک‌ها رقمی بیشتر را هم حاضرند به کارت دارنده واریز کنند. این پول‌ها می‌روند وارد فعالیت‌های غیرقابل پیگیری می‌شوند. حریری هشدار داد: احتمال زیادی وجود دارد که این منابع در امور خلاف و به طور خاص قاچاق و حتی اقدامات تروریستی هم صرف شود. از نظر من این موضوع بیش از این‌که علت یا انگیزه اقتصادی داشته باشد، موضوعی با ریشه‌های امنیتی است و انتظار دارم نهادهای امنیتی پیگیر این ماجرا شوند.

تقاضای ریال برای عبور از تنگه هرمز

حجت‌الله فرزانی، کارشناس بانکی اما نگاهی مثبت به این اتفاق دارد. او در گفتگو با خبرآنلاین عنوان کرد: پس از حمله ظالمانه و تجاوز کارانه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به کشورمان، ایران تصمیم به اخذ عوارض از کشتی‌های تنگه هرمز گرفته و همانطوری که می‌دانیم این عوارض به شکل ریالی هم دریافت می‌شود. این امر موجب افزایش تقاضا برای واحد پول ملی ما شده است.

او با بیان این‌که اتفاق مورد بحث، در کل یک اتفاق مثبت است، توضیح داد: این ریال‌ها جمع می‌شوند و به سمت متقاضیان عبور از تنگه هرمز خواهد رفت و سپس به شکل عوارض تنگه به داخل کشور باز خواهد گشت. نگرانی عمده این است که تا زمان شکل‌گیری چرخه کامل این فرایند و به‌ویژه در شرایطی که این منابع از کشور خارج شدند، کمبود اسکناس به وجود بیاید.

از نظر فرزانی همه متقاضیان عبور از تنگه هرمز از آن‌جایی که دارای حساب ریالی برای تسویه حساب با بانک مرکزی نیستند، نیاز به ریال نقدی پیدا کرده‌اند.

رانت در شبکه بانکی

کمال سیدعلی معاون پیشین ارزی بانک مرکزی گرچه از کل ماجرا اطلاع چندانی نداشت اما نسبت به یک رانت در شبکه بانکی ابراز نگرانی کرد. وی در این‌باره هشدار داد: وقتی ارزشی که برای یک اسکناس یا چک پول پرداخت می‌شود، بیش از ارزش آن است، یعنی در شبکه بانکی یک تقاضای مضاعف برای ایران چک‌های یک میلیون تومانی و ۵۰۰ هزار تومانی شکل می‌گیرد. این‌جا زمینه رشد یک رانت بزرگ در نظام بانکی خواهد شد و باید نسبت به تبعات آن شبکه بانکی آماده باشد. سید علی توضیح داد: یک رییس بانک یا کارمندی که دسترسی به این چک پول‌ها را دارد، کافی است ۲۰۰ تا برگه، ایران چک یک میلیون تومانی در جیب بگذارد و ببرد در کنار خیابان. به راحتی از همین یک اقدام ناچیز ۱۵ تا ۲۵ درصد سود به جیب زده است. او درباره راهکار گفت: اگر بانک مرکزی احساس خطر کند می‌تواند به طور موقتی عرضه ایران چک‌ها را متوقف کند. البته این راهکار دائمی نیست و برای کوتاه مدت می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. مهم‌ترین کار باید یافتن علت این مساله باشد. به طور مشخص دو بخش مربوط به مدیریت اعتبارات و اسکناس‌ها در بانک مرکزی باید نسبت به منشا این ماجرا اقداماتی را در دستور بگذارند و چنانچه کاسه‌ای زیر نیم کاسه بود، اقدام لازم را جهت برخورد در پیش بگیرند.

سناریوی سیاه، سناریوی سفید

کامران سلطانی، فعال بازار ارز دو سناریو را در گفتگو با خبرآنلاین به میان آورد. او در این باره گفت: تا جایی که می‌دانیم بخش بزرگی از تقاضای شکل گرفته ریال در ایران، تقاضای همسایگان شرقی ما یعنی افغانستان و پاکستان است و بخشی هم از این ریال‌ها در حال انتقال به عراق است. بر این اساس برخی فکر می‌کنند تقاضای شکل گرفته برای ریال تد حد زیادی ناشی از خوش‌بینی در موفقیت مذاکرات با ایالات متحده است. سلطانی توضیح داد: درواقع این بخش از افزایش تقاضا ناشی از آن است که احتمالا برخی از فعالان ارز در کشورهای همسایه امیدوار به این هستند که چه مذاکرات نتیجه بدهد و چه ندهد، در نهایت به زودی ریال ایران قرار است تقویت شود. بنابراین ترجیح می‌دهند حتی دلار را ارزان‌تر بفروشند تا در این بخش سرمایه‌گذاری کنند. دبیر پیشین کانون صرافان ارز با یادآوری میانه دهه ۸۰ و روزهای آخر صدام و سرنگونی آن یادآوری کرد: در آن زمان هم ارزش دینار عراق در معاملات خیابانی و بازار آزاد ۱۰ تا ۱۵ درصد بیش از ارزش واقعی آن بود زیرا تصور می‌شد به سرعت وضعیت دگرگون خواهد شد و حتی بخشی از این تقاضای دینار از سوی ایرانیان بود. وی درباره سناریوی دوم گفت: این نگاهی بدبینانه است زیرا ممکن است در شرایط فعلی کشور، با جمع‌آوری ریال می‌خواهند سناریوی ضد امنیتی علیه ایران اجرا کنند. در این سناریو ممکن است ابتدا پول نقد در کشور جمع شود و خارج شود و سپس با یک حمله سایبری شبکه شتاب و شاپرک را از کار بیاندازند. در این صورت کشور دچار مشکلاتی می‌شود و ممکن است کار به اعتراضات مردم هم منجر شود.سلطانی در این مورد که متقاضیان عبور از تنگه هرمز به دنبال ریال برای عبور از این منطقه هستند گفت: من فکر نمی‌کنم این طوری باشد. چرا که مثلا پاکستان یا ترکیه یا هر کشور دیگری می‌تواند از طریق مبادی رسمی این کار را انجام دهد و نیازی به این اقدامات ندارد. برخی منابع آگاه معتقدند که همه متقاضیان عبور از تنگه هرمز دارای حساب ریالی در ایران نیستند و به همین دلیل به پول نقد روی آورده‌اند.